

دوبرنامه «تولید و اشتغال» و «اصلاح ساختار بودجه» به‌زودی رونمایی می‌شود

رئیس سازمان برنامه و بودجه از رونمایی دو برنامه «توسعه، تولید و اشتغال» و همچنین «اصلاح ساختار بودجه» در آینده نزدیک خبر داد. به گزارش «مهر»، محمدباقر نوبخت گفت: «در نخستین روزهای پس از تعطیلات نوروزی از دو برنامه توسعه تولید و اشتغال و همچنین اصلاح ساختار بودجه که با تلاش علمی همکارانم در سازمان برنامه و بودجه تهیه شده است، در جمع اصحاب محترم رسانه رونمایی می‌شود.» شایان ذکر است، بهمن ماه سال ۱۳۹۷، مقام معظم رهبری دستور اصلاح ساختارهای اقتصادی و بودجه کشور را صادر و مهلتی چهار ماهه برای انجام این مهم تعیین کردند.

یکشنبه ● ۱۸ فروردین ۱۳۹۸ ● شماره صد و نود و پنج

ا ت ی و ع ه ن د

فرشاد مومنی، در نشست هفتگی موسسه مطالعات دین و اقتصاد، راهکارهای رونق تولید در سال ۹۸ را تشریح کرد

تولید توسعه‌گرا یا تولید شکنده؟

■ تحلیل ناآرامی‌های کشورهای عربی از منظر توسعه

وی ادامه داد: «برای شروع بحث در این زمینه توجه شما را به تجربه تحولاتی که در کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاد جلب می‌کنم. در اینجا متأسفانه بیشتر ذهن ما درگیر این بود که این تحول را چه بنامیم. عده‌ای گفتند بهار عربی است و عده‌ای گفتند بیداری اسلامی است و تمام ذهن مادرگیر این دو مفهوم شد در حالی که آن تجربه، بستر بسیار خوبی ایجاد کرده بود تا ما تفاوت نگاه از سطح توسعه به مسائل اقتصادی را با نگاه روزمره به‌خوبی درک کنیم. من در بررسی مختصری که راجع به آن تجربه انجام دادم، متوجه شدم که در باره این تجربه هم عینا شبیه تحلیل‌هایی که راجع به بحران ۲۰۰۸ در بازارهای مالی جهانی انجام شده همه اظهار شگفتی کرده بودند که متغیرهای کلان اقتصادی هیچ ردی از بحران را در کشورهای عربی نشان نمی‌داد. اما آنشی در زیر خاکستر بود که به‌خاطر غفلت از توجه‌به مسائل بنیادی سطح توسعه، زمینه تش در جوامع عربی را ایجاد می‌کرد. مثلاً متغیر رشد اقتصادی در فاصله ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ در منطقه نشان می‌داد که میانگین رشد کشورهای این منطقه از میانگین رشد تمامی مناطق دیگر جهان بالاتر است. حتی با استاندارد میانگین جی‌دی‌پی سرانه هم اوضاع و احوال این منطقه به هیچ‌وجه نابسامان نشان نمی‌داد. مثلاً به‌صورت مشخص متوسط رشد مصر و

سوریه در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ حدود شش درصد در سال بود و برای تونس این متغیر چیزی حدود میانگین رشد چهارونیم درصد را به نمایش می‌گذاشت، وقتی کشورهای این منطقه گرفتار ناپایداری سیاسی شدند مشاهده‌این بود که برحسب تحلیل‌های سطح توسعه‌وبرحسب پیمایش‌های صورت‌گرفته، مولفه‌هایی نشان از ناآرامی و ناپایداری را گواهی می‌داد که این مولفه‌ها عموماً در تحلیل‌های سطح کلان موردتوجه بایسته قرار نمی‌گیرند. مثلاً در راس آن‌ها این بود که تمام بررسی‌ها نشان می‌داد که در روابط بین مردم و حکومت‌ها در این منطقه ما با بحران حاّذ بی اعتمادی روبه‌رو بودیم.»

مومنی با بیان اینکه مسئله بسیار مهم دیگری که در تحلیل‌های سطح توسعه پدیده موسوم به بهار عربی را مورد تحلیل قرار داده بود مسئله بحران نابرابری‌های ناموجه بود، افزود: «ما

در جلسات سال گذشته راجع به این مسئله هم بسیار صحبت کردیم و هشدار دادیم که در ایران هم نابرابری‌های ناموجه به آستانه‌های خردکننده رسیده، بنابراین این هم یکی از متر و معیارهای کلیدی است که در جهت‌گیری‌های اتخاذ شده در

سطح کلان باید موردتوجه قرار گیرد.»

■ سندرم توسعه ناشاد و چند مولفه دیگر

وی ادامه داد: «در خصوص مولفه‌های بحران اعتماد بین



کتیو | ۰۹



«یادداشت»

● سیده کاوه ●

|||||

سرمایه انسانی زنان را پشتوانه رونق تولید کنیم

بانام‌گذاری سال ۱۳۹۸ به‌عنوان سال رونق تولید، این سوال به ذهن علاقه‌مندان ارتقای جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی متبادر می‌شود که نقش زنان در ایجاد رونق در تولید چه می‌تواند باشد؟ پاسخ به این پرسش باید در بستر کنونی اقتصاد و وضعیت کنونی تولید در کشور صورت گیرد. رکود ناشی از عوامل ساختاری درونی اقتصاد و فشارهای بیرونی، بهره‌وری پایین فعالیت‌های اقتصادی، کمبود تقاضا برای نیروی کار و عدم کفایت لازم در اشتغال زایی سبب بالا بودن نرخ بیکاری برای زنان و مردان به‌صورت توامان شده است و در این بین زنان در بازار کار با آسیب‌های جدی‌تری دست‌وپنجه‌نرم می‌کنند. با مطالعه سیر زمانی درصد شاغلان در بخش صنعت در جمعیت شهری، روند صعودی ملایمی در دهه منتهی به سال ۹۵ طبق آمارها وجود دارد، ولی نگاهی به آمار اشتغال زنان در حوزه‌های مختلف کاری نشان می‌دهد که میزان اشتغال زنان در حوزه صنعت دارای روند نزولی بوده است. به عبارتی دیگر، زنان اندک جای خود در صنعت را نیز به مردان داده‌اند و این سبب هدررفت سرمایه انسانی تجمیع شده در آنان به‌واسطه تحصیل در رشته‌های فنی-مهندسی شده است. اگر در دهه‌های اخیر میزان افزایش فارغ التحصیلان زن در رشته‌های فنی- مهندسی با افزایش میزان اشتغال آن‌ها در صنعت هم‌زمان بود، موازنه سرمایه انسانی و نیروی کار از دست نمی‌رفت. با توجه به این استدلال، تلاش برای افزایش سهم زنان در صنعت و تولید سبب افزایش کارآمدی اقتصاد و استفاده بهتر از منابع می‌شود. نگاهی به جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی مطابق با آخرین گزارش مرکز آمار سال ۹۵، نشان می‌دهد که از کل جمعیت ۱۰ سال و بالاتر، ۶۱ درصد، مردان ۳۶ درصد و زنان ۸۵ درصد جمعیت به لحاظ اقتصادی، غیر فعال هستند. این آمارهای عدم مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی در ایران نسبت به متوسط جهانی و اعداد معمول کشورهای مشابه بالا هستند. برای یافتن زاویه دید دیگری به این مسئله، لازم است نسبت جنسیتی جمعیت که برابر با نسبت تعداد مردان به زنان ضرب در ۱۰۰ است را موردبررسی قرار دهیم. طبق آخرین آمار این نسبت در ایران ۱۰۳ است، یعنی به ازای هر ۱۰۰ زن، ۱۰۳ مرد وجود دارد. حال اگر شاخصی تحت‌عنوان نسبت جنسیتی شاغلان صنعتگر و شاغل مربوطه تعریف شود، این شاخص طبق آخرین آمار از حاصل تقسیم جمعیت مردان صنعتگر و کارکنان مربوطه (۵۸۸/۲۷۱/۵۸) به عدد مشابه زنان (۷۹۱/۸۰۴ ضربدر ۱۰۰ به‌دست می‌آید و برابر با ۴۵۳ است، یعنی به ازای هر ۱۰۰ نفر زن، ۴۵۳ نفر مرد وجود دارد و باید توجه داشت در این آمار متصدیان ماشین آلات و دستگاه‌های مونتاژ و کارگران... وجود ندارند و با لحاظ آن‌ها نسبت جنسیتی به ۸۵۴ می‌رسد. اعداد فوق بسیار نامتوازن و نامعقول بوده و بیانگر میزان اشتغال پایین زنان در بخش تولید است و باید توجه داشت که این آمار اشاره‌ای نمی‌کند به زنانی که در صف اشتغال هستند. حال اینکه چه تمهیداتی برای متوازن سازی این اعداد در حدمعقول جهانی باید صورت گیرد، سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصاد کشور را منعکس می‌کند زنان، نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. نقش زنان در اقتصاد نه فقط توسط نظام اقتصادی، بلکه توسط عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد. از این رو برای افزایش سهم زنان در اقتصاد به‌خصوص صنعت و تولید باید به ارزش‌های اجتماعی، شرایط خانوادگی و سیاست‌های اشتغال هم‌زمان توجه کرد. در این نوشتار، تأکید بر سیاست‌های اشتغال و نگاه اقتصادی به‌موضوع است. در شرایطی که افزایش جمعیت جوان زنان تحصیل کرده در رشته‌های مرتبط با صنعت وجود دارد، پاسخ اقتصادی به این سوال ایجاد اولویت در استخدام زنان و سهولت در اشتغال آنان خواهد بود. اساساً زمانی که بحث تخصیص منابع و بهینگی مطرح و هدف بالا بردن کارایی سیستم است باید موانع خارجی که از بیرون از سیستم از تخصیص بهینه جلوگیری می‌کنند از سیستم حذف شوند یا راهکارهایی برای کم کردن نیروی این موانع اندیشیده شود.

پژوهشگر اقتصادی

حساب ملی‌شان آن را به‌عنوان تولید جامی‌زنند. از جیب خوردن اگر روی آن عنوان تولید گذاشته شود، خودفریبی و مردم‌فریبی است و تولید نیست. ماجرأ در ایران به غیر از اینکه آن نکته را شامل می‌شود نکته‌های بسیار مهم دیگری هم دارد که ما باید به آن توجه بایسته داشته باشیم. تولید توسعه‌گرا، تولیدی است که دو توانایی دارد؛ توانایی برطرف کردن فقر و توانایی حداقل سازی عقب‌ماندگی. بنابراین اگر می‌گویند ما امسال رونق تولید می‌خواهیم رونق این تولید است نه رونق تولیدهای رانتی و نه رونق تولید در چارچوب ساخت تولید معیشتی که جز مشقت و رنج و بازده اندک دستاوردی ندارد. تولید معیشتی و غیر مدرن کشور را نمی‌تواند از فقر و عقب‌ماندگی نجات دهد. براساس تحقیقات انجام‌شده طی سه دهه گذشته، تولید مونتاژی یا رانتی جایگاه بسیار غیر متعارفی در اقتصاد ایران پیدا کرده است. ما هم بررسی کردیم و متوجه شدیم در سایت بورس هم که صورت‌های مالی بنگاه‌های مهم را نگاه می‌کنید هر بنگاهی که اهتمام بیشتری به عمق بخشی به ساخت داخل داشته اوضاع مالی ناپهنجاری‌تری دارد. یعنی مناسباتی طراحی شده که هر فردی که وابستگی کشور را به دنیای خارج عمیق‌تر می‌کند تحت‌عنوان تولید بیشتر یاداش می‌گیرد. براساس تحقیقاتی که انجام دادم، متوجه شدم ما تحت‌عنوان تولید با رانت‌خواری هفت لایه مواجه هستیم که بسیار تکان دهنده است. ولی ما الان به همین حد بسنده می‌کنیم که سرهم‌بندی قطعات سی کی دی (SKD) اسمش تولید نیست و بخش قابل اعتنایی که به‌عنوان تولید در حساب‌های ملی ما مطرح می‌شود همین سرهم‌بند کردن‌هاست که کشور را به جاذعه می‌کشاند.»

■ بحران در اقتصاد جهانی و پیامدهای آن بر اقتصاد ایران

مومنی در بخش پایانی سخنان خود به بروز علائم بحران در اقتصاد جهانی اشاره و اظهار کرد: «یکی از مسائل مهمی که در سال ۹۸ با آن روبه‌رو هستیم، پدیدار شدن علائم بحران اقتصادی گسترده در سطح جهان است که پیش‌بینی می‌شود طی دوسال آینده بروز خواهد کرد و علائم آن از هم‌اکنون قابل رصد است. با توجه به تجاربی که در سال‌های بحرانی اقتصاد جهانی وجود دارد کشورهایی که دارای نقدینگی ارزی بیشتری باشند در وضعیت بحرانی، فرصت‌های بی‌نظیری کسب می‌کنند و مثال این وضعیت، کشور چین است که از آخرین بحران اقتصاد جهانی بهترین بهره‌برداری را کرد و قراردادهای تجاری با قیمت‌های نازل تا سال ۲۰۵۰ را از آن خود کرد. اگر ما هم در سال جاری در مورد علائمی که نشان‌دهنده بحران اقتصادی جهان است، هوشیار باشیم می‌توانیم از فرصت‌های این بحران استفاده کنیم- در غیر این صورت اولین پیامد نامطلوب آن که کاهش تقاضای نفت است دامنگیر ما خواهد بود که حتی بدون در نظر گرفتن تحریم برای اقتصاد ایران کم‌رشکن خواهد بود.»

مردم و حکومت، مولفه‌هایی که در تحلیل‌های مربوط به بهار عربی موردتوجه ویژه قرار گرفته بود یکی به اعتراض شدید مردم نسبت به روند کاهنده خدمات عمومی چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت مربوط می‌شد. محور دیگری که در بحران اعتماد به‌عنوان یک مسئله بسیار حیاتی و سرنوشت‌ساز موردتوجه قرار گرفت، مسئله بحران اشتغال به‌ویژه در میان جوانان بود. مولفه سوم که بیشترین نقش را در تشدید بی‌اعتمادی بین مردم و حکومت ایفا کرد، اصرار دولت‌ها بر اتخاذ سیاست‌های ثبات‌زدا بود که این سیاست‌های ثبات‌زدا عموماً تحت‌تاثیر جهت‌گیری‌های موسوم به برنامه تعدیل ساختاری بود. افزایش‌های بی‌دربی نرخ ارز و قیمت حامل‌های انرژی و همه‌کالاها و خدمات دیگری که دولت عرضه می‌کند یک محور دیگر در این زمینه بود. مسئله بعدی این بود که در بستر سیاست‌های سهل‌انگار، دارا ترهای می‌توانستند از طریق واردات کالاهای لوکس و تجملی خود را به رخ فرودستان بکشند. در تحلیل‌های جامعه‌شناختی می‌گویند وقتی نابرابری‌های شدید دیده می‌شود و امکان به رخ کشیدن این نابرابری‌ها وجود دارد جامعه دچار ناهنجاری و بی‌هنجاری می‌شود و مرحله بعد از ناهنجاری و بی‌هنجاری، فروپاشی است.

مولفه چهارمی که از منظر تحلیل‌های سطح توسعه این تجربه را زیر ذره‌بین موردبررسی قرار داده بود، پدیده موسوم به سندرم توسعه ناشاد است. به این معنی که احساس شادمانی و رضایت و احساس تعلق مردم به کشور دائماً تضعیف می‌شد. در این توسعه ناشاد چند مولفه بود که بیشتر موردتوجه قرار گرفته بود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مسئله دیوان‌سالاری غیر پاسخ‌گو بود. مولفه دوم، فشار شدید به طبقات متوسط در این کشورها و مولفه سوم، بحران فزاینده در کیفیت زندگی بخش بزرگی از مردم و آخرین مولفه‌ای که در در این زمینه بسیار موردتوجه قرار گرفته بود هزینه-فرصت بسیار بالای وجود جمعیت جوان، تحصیل کرده و بیکار در این کشورها بود. بحث بر سر این است که ما هم در ایران اگر بخواهیم همچنان به رویه‌های کوتاه‌گرا نه و ظاهر سازانه و غفلت از مولفه‌های سطح توسعه ادامه دهیم شباهت‌های زیادی با وضعیت حاکم بر کشورهای عربی پیش از ناآرامی‌های سیاسی داریم و چشم‌انداز روشنی برایمان قابل تصور نیست.»

■ تولید توسعه‌گرا یعنی رفع فقر و حداقل سازی عقب‌ماندگی

این استاد اقتصاد دانشگاه، مسئله بسیار مهم دیگر در سال ۹۸ را جلوگیری از فرصت‌طلبی‌هایی که تحت‌عنوان تولید مطرح می‌شود، عنوان کرد و گفت: «بیش از ۲۰ سال از زمانی که اولین بار متفکران بنام اقتصادی از عوام‌فریبی و سوء استفاده از عنوان تولید پرده‌برداری کردند، گذشته است. آن‌ها بحثشان این بود که کشورهای خام‌فروش، منابع پایان‌پذیر خودشان را بدون هرگونه فراوری به‌صورت خام می‌فروشد و بعد در سیستم‌های

رونق تولید، بدون جذب سرمایه و کاهش هزینه‌ها ممکن نیست

تغییر کند. موضوع دیگری که در مورد نسبت توجیه پذیری سرمایه‌گذاری به تولید باید مدنظر قرار گیرد توجه به مطالعات فرصت‌سنجی کارآمد برای تعریف یک پروژه است. به بیان دیگر، توجیه‌پذیری یک پروژه اقتصادی از نظر سرمایه‌گذاری، مقدماتی دارد که مهم‌ترین آن‌ها انجام مطالعات فرصت‌سنجی دقیق و علمی است. اگر توجیهی برای پروژه‌های اقتصادی تهیه شود، احتمال قرار گرفتن در دام موجه جلوه‌دادن پروژه‌های غیر موجه به شدت افزایش می‌یابد و تولیدی که از درون چنین پروژه‌هایی بیرون می‌آید، شاید تنها برخی مقاصد زودگذر منطقه‌ای را برآورده کند و کمکی به بهره‌وری، اشتغال و توسعه پایدار نخواهد کرد. از این منظر، شتاب‌زدگی در ارائه طرح‌های توجیهی برای پروژه‌های تولیدی، که اغلب با حمایت‌های سیاسی انجام می‌شود باید با هوشمندی نظام تصمیم‌گیری کشور چه در مجلس و چه در قوه‌مجریه خنثی شود.

دبیر انجمن اقتصاددانان ایران

غفلت از نسبت توجیه‌پذیری سرمایه‌گذاری و تولید، در کشور ما غفلتی تاریخی محسوب می‌شود که بررسی جامع علل تاریخی و پیامدهای آن مجالی دیگر می‌تولید. بررسی‌ها نشان می‌دهد، از ۱۳ کشوری که طی ۱۰ سال گذشته رشد اقتصادی بالا و مستمر- تولید ناخالص داخلی هفت درصد در سال یا بیشتر- را حفظ کرده‌اند ۱۰ کشور در جنوب شرق آسیا- کشورهای چین، ژاپن، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور، اندونزی، هنگ‌کنگ، تایوان و تایلند- و یک کشور در حوزه خلیج فارس- عمان- قرار دارد که همه این کشورها طی همین بازه ۱۰ ساله در صدر جدول جذب سرمایه، افزایش رتبه اعتبار-سنجی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری قرار دارند. نکته مهم دیگری که در توفیق ایجاد و استمرار رونق اقتصادی این کشورها مشاهده می‌شود توجه به پیش نیازهای سرمایه‌گذاری موفق در پروژه‌های اقتصادی است. معنی دقیق‌تر این عبارت این است که این کشورها هزینه سرمایه پروژه‌های اقتصادی خود را کاهش داده‌اند تا پروژه‌ها با هزینه کمتر و بهره‌وری بیشتر به بهره‌برداری برسند. این



«یادداشت»

● پیمان مولوی ●

|||||

در علم اقتصاد ایجاد هر واحد تولید، بازدهی و ارزش افزوده نیازمند صرف واحدی از سرمایه است و بدون سرمایه‌گذاری مناسب نمی‌توان انتظار رونق تولید داشت. بر این اساس، یکی از مسئولیت‌های مهم حاکمیت و نهادهای تصمیم‌گیر هر کشور، تخصیص درست سرمایه‌های ملی و سوق دادن آن‌ها به سوی تولید توسعه‌گراست. به علاوه، تجربه اقتصادهای موفق در چند دهه اخیر حکایت از آن دارد که رونق اقتصادی در این کشورها به‌صورت ملموس و قابل مشاهده، به جذب منابع و سرمایه‌های بین‌المللی بستگی داشته است، بنابراین وظیفه مهم دیگر نظام حاکمیتی هر کشور بهبود مناسبات جهانی آن کشور و تلاش در جهت جذب منابع و سرمایه‌های بین‌المللی است. از سوی دیگر، دستیابی به رونق تولید بدون توجه به نسبت توجیه‌پذیری سرمایه‌گذاری و تولید نیز امری ناممکن به‌شمار می‌رود.